

نقش ایمان و امید در استمداد امام برای ایجاد انقلاب و تحولات ملی و جهانی

زهرا جعفری

چکیده

این مقاله به بررسی موضوع نقش ایمان و امید در استمداد امام برای ایجاد انقلاب و تحولات ملی و جهانی می پردازد، به این ضرورت که امروزه، موضوع جهانی شدن و جهانی سازی در ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اهمیت به سزایی یافته است. تئوری ها و نظریه های مختلفی در باب ماهیت، شاخصه ها و پیامدهای جهانی شدن و جهانی سازی با بهره گیری از رهیافت های فلسفی، جامعه شناختی، سیاسی، علوم ارتباطی، فن آوری های اطلاعاتی مطرح شده اند. با این حال، هنوز اجماعی حتی در باب تعریف آن وجود ندارد. برخی از محققان، جهانی شدن را فرآیندی اقتصادی تلقی می کنند که منجر به جهانی شدن سرمایه داری یا مدرنیته می شود. برخی دیگر، آن را نوع خاصی از جهانی سازی و پروژه ای سیاسی تلقی می کنند که درصدد گسترش اهداف نظام سلطه جهانی است. برخی آن را یک تحول طبیعی علمی و تکنولوژیک در مدیریت زمان و مکان در نظر می گیرند و دیگران آن را فرآیندی می دانند که دربستر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خاص غرب به مرحله نضج و بالندگی دست یافته و یا خواهد یافت. به هر حال، این پدیده در پاره ای از کشورها به هم گرایی فرهنگی و دربرخی از کشورها، به خاص گرایی فرهنگی (مقاومت در برابر عام گرایی فرهنگی غرب)، منجر شده است. بی شک، جهانی شدن از مبانی فکری و فلسفی خاصی برخوردار است و در آینده نیز ظهور هریک از انواع جهانی شدن، با مبانی متمایزی همراه خواهد بود. مقاله حاضر، با واکاوی نقش امید و ایمان امام در جهانی شدن و جهانی سازی، سهم و نقش دین و به طور خاص، اسلام را در این عرصه بررسی می کند. به نظر می رسد امواج جدید ایجاد شده در سطح بین الملل در حوزه دین، حامیان سکولار قواعد بین الملل را متقاعد سازد که نادیده گرفتن نقش دین در تحول های جهانی از این پس نه تنها غیر منطقی، بلکه با نگرش رئالیستی یا ایدئالیستی به پدیده های جهانی مغایر است.

کلیدواژه ها: ایمان، امید، امام، انقلاب، جهانی شدن.

مقدمه

ساختارگرایان، اغلب سازه های ایجاد شده در عرصه جهانی شدن را دین زدا و جمع ناپذیر با دین می دانند و از این رو، نقش آفرینی دین در این صحنه را ناممکن تلقی می کنند در واقع، آنها از دو نکته غفلت می ورزند: اول این که، ساختار ایجاد شده از طریق جهانی شدن و جهانی سازی ساخت اجتماعی - تاریخی دارد و مقابله با ساخت اجتماعی - تاریخی امکان پذیر است، دوم آن که: نقش آفرینی قدرتمندانه دین در عرصه جهانی هنگامی میسر نخواهد بود که در درون چارچوب های پذیرفته شده نظام بین الملل حرکت کند. به هر حال، آنچه این عرصه قابل بررسی است، انرژی متراکمی است که در ادیان توحیدی، به ویژه دین اسلام برای شالوده شکنی و ایجاد چارچوبی جدید در عرصه جهانی، تحقق یافته است.

اسلام با ارائه باورها و ارزش های متعالی انسانی و هویت بخشی به انسان ها در عصر انحطاط عقاید و ارزش ها در عرصه جهانی، و نیز با عرضه قواعد قطعی یا در حد قطعی و پذیرش مشروط قواعد تعهدی بین المللی، قادر به ایجاد تحولی شگرف در سازه های نظام بین الملل خواهد بود. وقوع انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن، شکل گیری مقاومت اسلامی در منطقه آسیای غربی و شمال آفریقا و گسترش آن در دیگر مناطق اسلامی گواهی آشکار در این زمینه است. افزون بر این، در دیگر مناطق جهان نیز شاهد مقاومت هایی جدی در برابر فزون خواهی نظام سرمایه داری و ادعاهای لیبرال دموکراسی هستیم. این شواهد می تواند ما را به این نتیجه قطعی رهنمون سازد که جهانی شدن جدیدی به نام «جهانی شدن مقاومت» در سطح بین الملل شکل گرفته است که وجه ممیز آن، تقابل با جهانی شدن به سبک غربی یا جهانی شدن سرمایه داری لیبرال و سکولار است. قطعی و روشن است که اینک، یکی از نظریات مهم در عرصه بین الملل، ارتباطات، فرهنگ، اقتصاد و سیاست، «جهانی شدن» است. حتی می توان گفت که: «از یک لحاظ، نظریه «جهان گرایی» (جهانی شدن) نظریه ای بلامنازع است. تحولات صورت گرفته در ابزار و شیوه های ارتباطات و جابه جایی های منابع و مردم، آشکارا می توانند بر انهدام حد و مرزهای اجتماعی، تأثیر گذاشته؛ همبستگی و یکپارچگی بیشتری را موجب گردند. این فرایندها، از قرن ها پیش وجود داشته است.

به علت وقوع این تغییرات و تحولات گسترده و ژرف در جهان و اهمیت و جذابیت موضوع «جهانی شدن»، نمی توان آن را نادیده گرفت و از بحث و گفت و گو درباره آن چشم پوشید. الان مدعیان و نظریه پردازان «جهانی شدن» رو به فزونی نهاده است. شیعه نیز با ارائه نظریه «حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» در طول قرن ها و سال های متمادی، داعیه دار اصلی جهان شمولی در عرصه های فرهنگی، سیاسی و... بوده است.

با توجه به این مطالب، در این نوشتار بر آنیم که بتوانیم از بحث های مطرح در زمینه «جهانی شدن» - ضمن ارائه چشم اندازی از آن - پلی برای فهم و درک «امید و ایمان امام در حکومت جهانی» بزنیم.

الف: مفهوم شناسی جهانی شدن

جیمز. ان، روزه نا در تعریف «جهانی شدن» می نویسد: «روندی نو که فعالیت ها و امور مهم را از خاستگاه های ملی قدرت، به عنوان پایه های دیرینه حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، فراتر می برد»^۱ چنانچه فرض شود ویژگی عمده این بعد از تغییرات، دگرگونی در عادت ها و هنجارها است؛ عبارت «جهانی شدن» را می توان به «آن چیزی» اطلاق کرد که دل مشغولی نوع بشر در مورد محدودیت های سرزمینی و ترتیبات سنتی نظام دولت کشورها را دگرگون می سازد.

گیدنز در رساله «پیامدهای مدرنیته» مفهوم «جهانی شدن» را وارد نظریه اجتماعی اش می کند و آن را «تقویت مناسبات اجتماعی جهانی که محل های دور از هم را چنان به هم ربط می دهد که هر واقعه محلی، تحت تأثیر رویدادی که با آن فرسنگ ها فاصله دارد، شکل می گیرد و بر عکس» تعریف می کند.^۲ جهان گرایی در بهترین وجه، به عنوان مجموعه ای از جریان های اطلاعات، تصاویر، مسائل مالی، مردم و فن آوری هایی شناخته می شود که ممکن است به طور فرضی، اقدامات ساختارهای قدرت از قبیل دولت - ملت ها را متوقف کند یا تسهیل بخشد.^۳

برای روشن شدن دو مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی تبیین این مسئله حائز اهمیت است که جریانی که اکنون چنین چالاکانه و پر شتاب در حال ایجاد تغییرات اساسی در جامعه شده، آیا یک روند و اقتضاء اجتماعی و طبیعی است یا آنکه جریانی است که با ایدئولوژی های خاص خود، دست ساخته سیاست ها و قدرت های نیرومند است؟ به تعبیر دیگر آیا یک پدیده است یا پروژه؟

۱ - جیمز. ان، روزه نا، پیچیدگی ها و تناقض های جهانی شدن، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۰۲۲.

۲ - جان تاملینسون، جهانی شدن فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، ص ۷۲.

۳ - محمد، حسین رفیعی، آن سوی جهانی سازی، نشر، صمدیه، ۱۳۸۱، ص ۱۱.

آنچه متصور است، دو نوع نگرش کلی در اینجا وجود دارد: عده ای آن را فرایندی طبیعی دانسته و معتقدند اقتضای دنیای کنونی، به همراه داشتن چنین تغییرات اساسی است و مخالفت با آن به مثابه ایستادن در برابر سیلاب سهمگینی است که نتیجه ای جز انزوا یا نابودی نخواهد داشت و دسته ای دیگر با نگرش منفی بدان می نگرند و آن را محصول سیاست های پشت پرده قدرت ها می دانند.

البته دو طرز تفکر دیگر در کنار این دو نظر کلی وجود دارد: برخی می گویند: این درست است که جهانی شدن توسط نقشه های قدرت های بزرگ اقتصادی و سیاسی سامان یافته است اما با گستردگی آن در سطح جهان از حالت پروژه خارج شده و به یک روند طبیعی - اجتماعی تبدیل شده است. یعنی اگرچه ریشه استعمارگرانه می تواند داشته باشد اما اکنون کمتر می توان سیطره ای واحد بر فرایندهای آن را مشاهده کرد؛ عده ای دیگر برعکس دسته قبل می گویند: جهانی شدن در ابتدا فرایندی طبیعی بوده که سپس (بخصوص در دهه های اخیر قرن بیستم) بصورت پروژه درآمده است.

اصولاً «جهانی شدن» به عنوان یک روند یا فرایند تلقی می شود که بسیاری از متفکرین غربی چنین وانمود می کنند که مرحله ای از تاریخ است که جهان را گزیر و گریزی از آن نیست که به دنبال تغییراتی که در جهان اطلاعات حاصل شده است، همه کشورها ناچارند در جهت و جریان آن حرکت نمایند و تبعات آن را بپذیرند. در یک روند، کمتر اراده و اختیارات گروهی مشاهده می شود و حوادث غالباً خارج از اختیار آن ها خود بخود رخ می دهد بدون آن که برنامه ریزی خاصی بر آن شده باشد. جهانی شدن عموماً فرایندی اجتماعی و دارای آهنگ و حرکتی خاص است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین رفته و مردم بطور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می شوند و گفته می شود نباید با موج آن به مخالفت برخاست آنان که جهانی شدن را به عنوان یک روند می دانند، نگرش آنان به این پدیده مثبت بوده و در پی اثبات آن اند که این اقتضایی است که خواهد توانست امکانات بسیاری را در اختیار کشورهای جهان سوم قرار دهد. در این طرز تفکر، جهانی شدن مبانی فلسفی دارد و عمدتاً از تفکر لیبرال، بطور طبیعی ناشی می شود.

اما زمانی که سخن از «جهانی سازی» می رود، منظور تلاش گسترده ای است که از جانب قدرتمندان برای واگذاری حاکمیت جهان بدست نیروهای خاص صورت می گیرد. جهانی سازی پروژه ای است که با فراهم سازی و بهره مندی از امکاناتی به سیطره ای گسترده بر جهان دست یافته می شود تا با کنترل بر عرصه های مختلف از گستردگی قلمرو ادیان نیز کاسته شود و این همان تعبیر جدید از پدیده های امپریالیسم و استعمار سلطه جهانی است. عمق جهانی سازی قدرت است. قدرت هرمونیک و استیلاطلب غرب می گوید، کشورهای

پیرامونی حق هر کاری را ندارند کارهای اصلی و محوری را ما انجام می دهیم و تولید هر کشور باید منوط به نظر ما باشد. به عنوان مثال آنان هرگز حق ندارند صاحب تکنولوژی برتر باشند و هر کشوری در حد لیاقت و شایستگی اقتصادی خود حق تولید دارد و آمریکا در رأس قدرت غرب، جهان را طبقاتی و خود را در صدر آن می بیند و مسلم است با ایجاد جهانی طبقاتی یا مرکز پیرامونی، اگر کشورهای در رأس و مرکزی سرفه کنند کشورهای پیرامونی تب خواهند کرد و با تب آنان، کشورهای پیرامون خواهند مرد. لذا جهانی سازی به عنوان یک پروژه عیناً اجرای تئوری غرب خصوصاً در رأس آن آمریکا است.^۱

ب: ظرفیت آیات قرآن کریم در جهانی شدن حکومت امام

قرآن کریم به رغم اصالت بنیادینی که دارد، همواره از تازگی و طراوت دائمی برخوردار است. این کتاب که کاملترین کتاب وحی و منشور جاوید عالم قدسی است با توجه به گزاره ها و معارف عام، گسترده و جامع خویش، این قابلیت را در حد کمال داراست که مفاهیم اساسی خود را به تمام فرهنگ ها و ایدئولوژی های دنیا منتقل سازد و ساز و کارهایی دقیق و اساسی را برای حیات بشری فراهم سازد؛ اگر چه سوگمندانه تحلیل هایی که تاکنون از قرآن شده است کمتر توانسته است آن را آن چنان که واقعاً هست به عنوان نقطه مرکزی تمام گفتمان ها معرفی نماید که محل رجوع دیگر گفتمان ها باشد. اگر چه ما معتقد نیستیم که پدیده های معاصری چون جهانی شدن و الزامات آن در متون مقدسی مانند قرآن کریم آمده است اما ملتزم هستیم که قرآن مبادی فکری و نظریه قوی، پخته و جامعی دارد که اگر به زبان روز استخراج و تبیین شود خواهد توانست چراغ فروزانی فرا راه انسان معاصر باشد چرا که کتابی است که در هر زمان جدید است و تا قیامت هرگز غبار کهنگی بر چهره آن نخواهد نشست.

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۚ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ
بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ^۲

همانا دین (پسندیده) نزد خدا آیین اسلام است، و اهل کتاب راه اختلاف نپیمودند مگر پس از آگاهی به حقانیت آن، و این خلاف را از راه حسد در میان آوردند. و هر کس به آیات خدا کافر شود (بترسد که) محاسبه خدا زود خواهد بود.

۱ - کیانی، داود، مقدمه ای بر جهانی شدن، مجله اندیشه، صادق، شماره ۵، ص ۲۹.

۲ - آل عمران: ۱۹

اما چنانچه قرآن پژوهان و فرهیختگان اسلامی بتوانند در ماهیت بین گفتمانی خود قرآن - و نتیجتاً اسلام راستین را - در سه عرصه اعتقادی (به عنوان دین)، شیوه کامل زندگی (به عنوان دنیا) و نظم سیاسی اجتماعی تمام عیار (به عنوان دولت و حاکمیت و...) طرح نمایند خواهند توانست همه عناصر را به وحدت فراخوانده و هویت آنها را معین سازند.

قرآن کریم به ملاک های فراوانی که قابلیت طرح آن در سطح جهانی را سهل می سازد انگشت می نهد و همه مردم جهان را به تبعیت از دینی که تضمین کننده صلاح و سداد دنیا و آخرت آنان است فرا می خواند، دینی که به معنی راه و روش کامل زندگی انسان معرفی شده و بنابراین انسان یک لحظه بدون راه و روش صحیح نمی تواند به زندگی واقعی و انسانی خود ادامه دهد. برخی از این ملاک ها عبارتند از انطباق با فطرت، سهولت و انعطاف پذیری، غیرزمان مند بودن، تعادل میان دستوراتی که داده، عقلانی بودن، توجه به خصوصیات انسان و... و نقطه مرکزی همه این ملاک ها نیز ژرفای توحید است و سرچشمه خصیصه جهانی بودن برای یک حکومت دینی نیز در این دریای بیکران نهفته است که پایگاه توحیدی این حکومت آن را ملزم به دارابودن نگرشی جهانی نسبت به مخاطبان فکری و سیاسی خود می سازد به گونه ای که ویژگی های منطقه ای را فرو گذاشته و با همه داشته هایش متوجه خصیصه های مشترک و اصیل انسان چون عقل، فطرت، روح و ارزش های معنوی می شود.

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۚ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۚ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۚ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۚ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ^۱

و حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و با نفس اماره) به جای آرید (و در طلب رضای او به قدر طاقت بکوشید) او شما را برگزیده (و به دین خود سرافراز کرده) و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهاد (و این آیین اسلام) مانند آیین پدر شما ابراهیم (خلیل است)، او (خدا) شما امت را پیش از این (در صحف او) و در این قرآن مسلمان نامیده تا این رسول بر شما و شما بر سایر خلق گواه (خداپرستی) باشید، پس نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خدا (و کتاب او) متوسل شوید، که او مولی (و پادشاه و نگهبان و حافظ و ناصر) شماست و نیکو مولی و نیکو ناصری است.

مسلماً جامعه ای که این آرمان های توحیدی و قرآنی را وجه غایتگرانه خود بداند و دارای ملاک های مزبور باشد باید بتواند در جهانی که علم به معنای اثبات گرایانه اش وجه غالبی یافته، ارزش ها و اصول خود را به علم دمیده و با توجه به ویژگی های فرهنگی و تاریخی، مبانی معرفتی و فلسفی اش را در فضای بدست آمده تثویز نماید و در این فضا، جهان اسلام و عالمان اسلامی با استعانت از آیات وحدت بخش قرآنی و رهنمودهای جهانی آن قادر خواهند بود ارتباطات جهانی خود را با نهادهای اسلامی دیگر مناطق مستحکم تر ساخته و نهضتی عظیم فرهنگی به وجود آورند تا انسان عصر حاضر را به فطرت، عقلانیت و معنویت رهنمون سازند و سهم هدایتگرایی خود را افزایش دهند.

باید توجه داشت که شیوه طرح همه این آموزه های ژرف قرآنی در یک سطح فرا ملی و جهانی بسته به نوع عملکرد فرهیختگان و متفکرین مسلمان و قرآن شناسان است. در حقیقت می توان گفت جهانی شدن بدلیل صیغه غالباً ایدئولوژیکش، امری است که مؤمنان و موحدان خواهند توانست تکلیف آن را معین سازند.^۱

ج: امید جهانی شدن

جهانی شدن به مفهوم رایج آن - که بدون نظام سرمایه داری قابل فهم نیست - محصول نظامی است که در آن خدا فراموش شده و با فراموش شدن خدا، در حقیقت انسانیت به مذبح برده شده است؛ بنابراین آموزه های قرآن و تعالیم بلند آن که همواره به دنبال احیاء انسانیت حقیقی انسان ها است می تواند بزرگترین چالش برای آن باشد، بدین جهت دنیای سرمایه داری، امروزه نهایت تلاش خود را متوجه انحراف انسان از اقبال به دین و خصوصاً توجه به معارف قرآنی کرده و در این راه از هیچ گونه کوششی در جهت تحریف، آلودن چهره زلال آیات و شبهه افکنی های بی اساس دریغ نخواهد کرد.

وضع کنونی جهان و شواهدی که حتی در مرکز سرمایه داری وجود دارد حاکی از این است که مردم به تدریج به دنبال دلالت های منطقی دین گرایی و اصل گرایی در عرصه های عمومی و مقابله و مواجهه با مدرنیسم، سکولاریسم و در نتیجه نظام سرمایه داری اند، که اشاعه عرفی زدایی، گرایش به خدا در ساحت خردورزی و معنویت در ساحت روابط اجتماعی تماماً حاکی از واقعیت فوق است و به نظر می رسد جهان فعلی بیش از آن که با ملزومات نظری و فلسفی جهانی شدن مصطلح و خرد خود بنیاد آن همساز باشند؛

۱ - آل نجف عبدالکریم، دولت جهانی در پرتو اندیشه اسلامی، مجله، حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۸۲.

جهانی شدن واقعی سازگار و متناظر است و شادمانه باید امیدوار بود که تعالیم قرآن کریم حاوی همه معارف و جنبه هایی است که نیروی این جهانی شدن واقعی را در خود دارد و این برای جهان سرمایه داری بسیار مشقت بار است.

شادمانه تر این که در حال حاضر خود فرهنگ غربی به وسیله جهانی شدن نسبی شده است و این شاید فرصت بهتری را برای نفوذ در سطوح فرهنگی - ارتباطی آنان برای دینداری که در پی وارد کردن مفاهیم اصولی و حیاتی اتخاذ شده از تعالیم قرآنی، در قلمرو زیست و زندگی فرهنگی جهان هستند، فراهم سازد. مکتب اسلام با توجه به گزاره ها و معارف عام گسترده و جامعی که از قرآن کریم در دست دارد، این قابلیت را در حد کمال داراست که مفاهیم اساسی خود را به تمام فرهنگ های دنیا منتقل سازد؛ اما باید هشیار بود که دقیقاً با همان رویکرد و در همان مسیری که اکنون جهانی شدن در حرکت است نمی توان قواعد خود را حفظ کرد چون به محض این که قبول کردیم که جزئی از این پدیده باشیم قواعد آن را نیز پذیرفته و وارد بازی شده ایم. بنابراین گشودن جبهه جهانی دیگری فرا روی محرومان جهان در این مسیر راهگشای، خواهد بود. مانند همان چیزی که در انقلاب اسلامی با روایتی تازه از تغییرات و تحولات در جهان رخ داد که با پشتوانه ها و آموزه های قرآنی همچون استخلاف، ولایت، عدالت خواهی، امر به معروف و نهی از منکر و... افق های تازه ای را بر روی بسیاری از ملت ها گشود که همه این ها برای دنیای جهانی شده غربی امروز، نقطه ای دردناک است^۱.

جهانی گرایی ای که در آیات متعدد قرآن از آن یاد می شود - بر خلاف جهانی شدن مصطلح که مبتنی بر خرد خود بنیاد است - شالوده اصلی اش اعتقاد به حقیقتی غایی و وجود ضروری و یک نگرش توحیدی و نگاه به عالم به مثابه یک کل منسجم و مخاطب قرار دادن انسان قطع نظر از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی و قائل شدن به وجود ذات و غایتی برای انسان و کل عالم است. بنابراین اگر جهانی شدن واقعی همان باشد که در آیات برشمرده شده است قرآن کریم سرشار از آیاتی است که مؤید این امر است.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۚ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^۲

۱ - افروغ، عماد، اسلام و جهانی شدن، نشر کانون اندیشه جوان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۴، ۴۳.

خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر علیه السلام) ایمان آرند و نیکوکار گردند وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافتشان دهد چنانکه امم صالح پیمبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود، و دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند، و بعد از آن هر که کافر شود پس آنان به حقیقت همان فاسقان تبهارند.

بی شک وحی نامه ای که به ادعای خود کتاب هدایت نظری و عملی انسان ها و تبیان بر همه اشیاء است ، باید همواره طراوت و تازگی خود را در تمام شرایط زندگی انسان پایدار نگه دارد تا بتواند همانند خورشید و ماه فروزان همیشه نورافشانی کند .این پیام جاویدان در جای جای قرآن و روایات معصومین علیه السلام با واژه ها و تعبیر مختلف بیان شده است.

در اولین سوره قرآنی که با حمد و ثنای خداوند «رب العالمین» آغاز شده، حاکی از نگاهی یکپارچه به دنیا و آخرت به مثابه یک مجموعه منضبط و منسجم است و چون لازمه ربوبیت عدم گسست بین عرصه های مختلف است. اعتقاد به رب العالمین نه صرفاً در حد یک اعتقاد نظری و دینی باقی می ماند بلکه آثار فردی، اجتماعی، تربیتی و مدیریتی در عرصه های مختلف زندگی را دارد.

همچنین اکثر واژه هایی که در آیات قرآن «مردم» (الناس) را با هر پیشینه ای و فارغ از تعلقات جغرافیایی، نژادی و دینی به طور مطلق مورد خطاب قرار داده است حاکی از ایده ای جهانی در آیات الهی است که نمونه این دست آیات در قرآن کریم زیاد به چشم می خورد.

جهانی شدن که قرآن بر آن اصرار دارد بر ابعاد مختلف زندگی بشر عنایت دارد و به همه انسان ها خدمت رسانده و آنان را ترقی می دهد و برای هیچ کس تهدیدی را در بر ندارد. این جهانی شدن بر خلاف جهانی شدن مصطلح که مبتنی بر عقلانیت ابزاری است، هم بر عواطف اعتنا دارد و هم متکی بر عقلانیت است لذا جهانی شدن واقعی، سرنوشت انسانی است که به آسمان پیوند خورده است. در جهان بینی قرآن چون میزان و معیار در اشیاء توحید دانسته می شود، لذا خصیصه های منطقه ای، قومیت، جغرافیا و قبیله دارای نقش بنیادی نیستند که بتوانند شخصیت واقعی انسانی را در چنبره تسلیم خود نگه دارند؛ اگر چه قرآن به این عوامل نیز توجه و اهتمام دارد اما اینها تا زمانی ارزشمندند که در مسیر تقوی، ایمان و در یک کلمه «توحید» باشند و این معیاری جهانی است که قرآن ارائه داده و راه رسیدن به آن را برای هر کس باز نهاده است.

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوَاً وَعَرِثَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۚ وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ ۚ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذَ مِنْهَا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا ۚ لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ^۱

آنان را که دین خود را بازیچه و سرگرمی گرفتند و زندگانی دنیا آنها را فریب داد به حال خود واگذار، همین قدر (آنها را) به این قرآن تذکر ده، تا مبادا کسی به عمل خود عاقبت گرفتار شود و او را جز خدا دادرس و شفیع نباشد، و اگر هر چه (برای آسایش خود از عذاب) فدا دهد از او نپذیرند. آنها همان کسانی هستند که عاقبت به کیفر اعمالشان به هلاکت می‌رسند و به کیفر کفرشان شرابی از حمیم جهنم و عذابی دردناک دارند. جهانی گرایی قرآن مبتنی بر اخلاق، معنویت و فطرت

اصولاً برای جهانی شدن امری، لزوماً انطباق با اصول انسانی و فطری بشری باید از محوری ترین ساز و کارهای معمول باشد. به عنوان مثال تکیه داشتن بر پایه های استوار عدالت و پابندی به تمام اصول اخلاقی و ارزش های انسانی از جمله مواردی است که ریشه در سرشت و نهاد آدمی دارد و انسانیت انسان در گرو قبول چنین فطریاتی است که قرآن نیز بطور مؤکد، انسان را به سوی آن فطرت ارجاع می دهد و در دنیای جهانی شده کنونی چندان توجهی بدان نمی شود. قوانین به اصطلاح متمدن امروزی اهمیتی جز تعلیق افعال بر اراده اکثریت ندارد در حالی که قرآن روش اجتماعی و قوانین جاری بر آن را براساس اخلاق مبتنی نموده و ضمانت اجرایی قوانین را به عهده تربیت اخلاقی قرار داده است.^۲

قرآن ارائه دهنده یک دین و ایدئولوژی جامع الاطرافی است که در هر عصری برای زندگی بشریت لازم و ضروری است که بر خواسته های مشروع آن پاسخ مثبت می دهد و در سایه نظام عادلانه ای که ارائه می دهد بشریت می تواند در امنیت کامل بسر برد.

خصوصیات عالمگیر آیات و تعالیم قرآنی به خاطر توجه به جنبه های معادی و معاشی بشریت، در همه زمان ها و مکان ها قابل اجراست و چون آن نوع جهانی سازی واقعی که قرآن ارائه می دهد یک جهانی سازی توحیدی، عقیدتی و معنوی است که جهان را به مثابه امت واحد اسلامی در نظر می گیرد، لزوماً در ایدئولوژی خود به فراسوی مرزها و قومیت ها و زبان ها و... توجه دارد؛ این جهان اندیشی بر مدار عقلانیت، عدل، حقیقت و معنویت و آنچه منطبق با فطرت پاک آدمی است می چرخد لذا قابلیت فراوانی را در این راستا

۱ - انعام: ۷۰

۲ - مطهری، مرتضی، فطرت، صدرا، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۷.

داراست. از این رو جهان اندیشی قرآن بر خلاف جهانی شدن مصطلح به طور واضح، طی یک فراخوان کلی در سراسر مبانی خود زمینه را مساعد می سازد تا همه دنیا با تشخیص و اراده خود و بدون هیچگونه اجبار و اکراهی به مجموعه بپیوندند.^۱

د: نقش ایمان امام در جهانی شدن

پیغمبر اکرم که ایمان به قدرت مطلق خدای تبارک و تعالی داشت ، در صورتی که عددشان کم بود و چیزی نبود و فقیر هم بودند و از همین فقیرهای بیچاره بودند لکن قدرت ایمان داشتند و قیام کردند و قدرت ها را یکی بعد از دیگری شکستند و همه را دعوت به توحید کردند ، توحید را در جامعه رشد دادند و در یک زمان کمی ، مسلمین که در جنگ وقتی که رفتند ، چند نفرشان یک شتر داشتند ، در یک جنگ مثلاً مهمی شاید ده تا اسب داشتند ، نداشتند چیزی ، ده تا شمشیر داشتند ، چند نفرشان یک شتر داشتند معذالک چون قوت ایمان داشتند ، دو تا امپراطوری را در یک صف کمی ، یکی امپراطوری روم را که آنوقت مهم بود و یکی هم ایران که مهم بود (این دو تا امپراتوری آن وقت در دنیا مقدم بر همه بودند) آنها را شکستند و غلبه بر آنها کردند و اسلام را بردند تا روم و تا - عرض بکنم که - اروپا هم رساندند . عمده همان روح ایمان است که بر انسان باید چه باشد.^۲

این غیر از تقدیر الهی ، غیر از حکم الهی نیست ، ایمان است ، اگر ایمان نبود نمی شد ، ایمان به خدا این کار را کرد ، ایمان به مبادی اسلامی این کار را انجام داد ، همه با هم گفتند که ما اسلام را می خواهیم ، این ایمان بود . قدرت ایمان غلبه کرد بر این قدرت ها و الا ما که چیزی نداشتیم.

این قوه ایمان است که مردم را سرتاسر ایران بسیج کرد . این دست غیبی الهی بود که مردم ایران را سر تا سر از بچه دبستانی تا پیرمرد بیمارستانی با هم همصدا و با هم هم مطلب کرد . این هیچ جبهه ای نمی تواند این کار را بکند ، هیچ بشری قادر نیست که همچو بسیجی بکند ، هیچ ملتی نمی تواند اینطور بسیج بشود . قدرت ایمان ، قوه اسلام ، قدرت معنوی ملت این پیروزی را به ما ارزانی داشت.

ایمان را تحصیل کنید و ایمان را نگه دارید . یک جلوه ایمان این سد بزرگ را شکست و دست اجانب را ، قدرت های بزرگ را کوتاه کرد . ایمان بود که در صدر اسلام دو امپراطوری بزرگ را در هم کوبید ، والا قدرت مادی نبود در کار . در جنگ روم طلیعه جنگجویان روم شصت هزار بودند و تمام جمعیت مسلمین سی هزار نفر بودند و پشت سر آن طلیعه هفتصد هزار نفر رومی بودند . یکی سرداران اسلام گفت سی نفر با من بیاید تا من شب بروم و با این شصت هزار نفر جمعیت جنگ کنم . بعد از اینکه اصرار کردند به او (بر حسب تاریخ) شصت نفر رفتند ، شصت نفر مسلم با شصت هزار نفر جنگجوی رومی که تا دندان مسلح بودند ، رفتند و آنها را شکست دادند هفتصد هزار نفر جمعیت رومی به دنبال آن شکست خورد و رفت . ایمان بود که قدرت ایمان بود که این کار را کرد و شما دیدید که قدرت ایمان هم در ایران همین کار را کرد^۱ . این یک مطلب الهی بود ، نمی شود این را پای کسی حساب کرد که این کار را کرده ، این را ما به پای خدا حساب می کنیم ، خدا این کار را کرد ، اراده خدا بود که منت بر همه گذاشت و همه اقشار را با هم متحد کرد به طوری که ارتش هم متصل شد ، ژاندارمری هم متصل شد همه متصل شدند به هم و همه یکصدا یک مطلب را خواستند و آن مطلب اینکه ما جمهوری اسلامی می خواهیم ، ما این رژیم را نمی خواهیم ، این یک تحولی بود که بشر نمی توانست این تحول را درست کند ، این تحول الهی بود ، یعنی مقلب القلوب این کار را کرد ، قلب ها را از آن وحشت بیرون آورد ، از آن وحشتی که از این رژیم ها همه داشتند از آن وحشت بیرون آورد و به جای آن تصمیم و شجاعت به ایشان داد به طوری که زن ها ، بچه ها و مردها ، همه به مبارزه برخاستند کی سابقه داشت که زن در مبارزه بیاید ، مقابل توپ و تانک بیاید ، این یک تحول روحی بود که خدای تبارک و تعالی در این ملت تحول را ایجاد فرمود و مادامی که ما این تحول را حفظ بکنیم و نهضت را به همانطوری که تا حالا آمده است حفظش بکنیم ، برای ما پیروزی هست . این تحول یک تحول الهی بود و یک دست غیبی مردم را اینطور متحول کرد و تا این نحو تحول نبود این پیروزی نبود . یک ملتی که دست خالی بود ، هیچ نداشت (حالا چهار تا تفنگ پیدا شده است کی آنوقت این حرف بود) دست خالی ، آنها همه مسلح و همه تانک و توپ و مسلسل دار و اینها هیچ نداشتند جز اینکه یک فریاد ((لا اله الا الله)) و ((الله اکبر)) و یک مشت پر و یک ایمان قوی . این ایمان بود که این مردم را به این پیروزی رساند که همه حساب ها فاسد از کار در آمد . حساب اینکه دست خالی نمی شود غلبه کرد بر این سلاح ها مدرن ، این

۱ - صحیفه نور جلد : ۵ صفحه : ۱۸۴ تاریخ سخنرانی : ۵۷/۱۲/۱۸

حساب ها خلاف در آمد چون آن ها حساب معنویات را نمی کردند حساب مادیات را می کردند . معنویت غلبه کرد بر مادیت ، خدا غلبه کرد بر شیطان و غلبه دارد بر شیطان.

این دست غیب است که این تحولات را در کشور ما ایجاد کرده است . اگر شما گمان کنید که تمام بشر و تمام قوای انسانی جمع بشوند و بتوانند یک قلب را تحویل و تحول بدهند ، هرگز نخواهد شد . این خداست که در یک شب کانه قلب های این ملت را متحول کرد و تمام این ملت را در مقابل آن قدرت های بسیار عظیم شیطانی به ایستادگی وا داشت و دست همه قدرتها را از کشور شما کوتاه کرد . و این قدرت الهی است که به جنگزده های ما ، به عزیزان ما که آواره شده اند از محل خودشان ، قدرت عنایت کرده است که در مقابل نارسایی ها و در مقابل زحمت ها و کمبودها ایستادگی کنند ، بلکه خودشان کمک کار باشند و این قدرت الهی است که شما جوانها را وادار کند که در بنیاد مستضعفین به خدمت مستضعفین باشید . این ملت را خدای تبارک و تعالی بادرست عنایت خودش و با قدرت کامله خودش قدرتمند کرد و متحول کرد به انسانهای الهی ، انسانهایی که برای خدا قیام کردند و برای خدا ادامه می دهند^۱.

و: نقش امید امام در جهانی شدن

قرآن کریم در آیه بیست و هشتم سوره فتح به پیروزی نهایی اسلام بر همه ادیان و جهانی سازی اسلامی اشاره می کند و می فرماید:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً)^۲ ؛ «او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گواهی خدا کافی است.

در این آیه وعده پیروزی دراز مدت اسلام بر جهان را می دهد، پیروزی هایی که بدنبال صلح حدیبیه یکی پس از دیگری تحقق می یابد و روشن می سازد که این صلح فتح المبین اسلام بود. مفسران گفته اند: اول آنکه مقصود پیروزی منطقی و استدلالی اسلام بر ادیان دیگر است که هم اکنون تحقق یافت است.

^۱ - رحیم کارگر. جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام. مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰. ص ۴۳، صحیفه نور جلد

دوم آنکه پیروزی نظامی و ظاهری برادیان دیگر است که تاکنون مناطق وسیعی از جهان و بیش از یک میلیارد نفر تحت پرچم اسلام قرار گرفته اند و در آینده تمام جهان و جهانیان زیر پرچم اسلام می آیند همانطور که در آیات قرآن مکرر براین مطلب تاکید شده است. این کار در زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تکمیل خواهد شد و نوعی جهانی سازی اسلامی تحقق می یابد که برای بشریت نتایج مثبتی به بار می آورد.^۱ در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که: «در روی زمین خانه ای و خیمه ای باقی نمی ماند مگر آنکه خدا اسلام را در آن وارد می کند».

قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و چهارم سوره «ق» به بانگ بیدار باش رستاخیز و حالات مردم در آن روز اشاره می کند و می فرماید:

(وَاسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ)؛ «و گوش فرا ده روزی که دعوت گر از مکانی نزدیک ندا می دهد، (همان) روزی که بانگ (بزرگ رستاخیز) را به حق می شنوند؛ آن روز خروج (از قبرها) است. در حقیقت فقط ما زنده می کنیم و می میرانیم، و فرجام (همه) تنها به سوی ماست. روزی که زمین برآنان بشکافد، سرعت (از آن بیرون می آیند)؛ این گرد آوری است که برای ما آسان است».

یکی از مصادیق این ندا قیام و خروج حضرت مهدی است چنانچه علی بن ابراهیم در تفسیر منسوب به امام صادق علیه السلام می گوید: امام فرمودند: «منادی صیحه حضرت قائم و نام پدرش را ندا می کند و اینکه خداوند فرموده: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ» منظور صیحه از سوی آسمان بنام قائم است و آن روز خروج و ظهور است».^۲

قرآن کریم در آیه هشتم و نهم سوره صف به تلاش بیهوده کافران برای خاموش ساختن نور خدا و پیروزی نهایی دین حق اشاره می کند و می فرماید:

(يُرِيدُونَ لَيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ «[کافران] می خواهند تا نور خدا را بادهان هایشان خاموش سازند؛ درحالی که خدا کامل کننده نور خویش است، و گرچه کافران ناخشنود باشند. او کسی است که

۱ - حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵

۲ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۹۶

فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند.

آری، همه توطئه های کافران همچون تهمت های آنان بر پیامبر، محاصره اقتصادی، تحمیل جنگ ها، نفاق، ایجاد اختلاف بین مسلمانان و تقسیم کشور اسلام به بیش از پنجاه کشور، نقشه های ایجاد انحراف در جوانان، تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی، استعمار سیاسی و نظامی و استثمار و تحمیل استبداد بر مسلمانان با شکست رو برو خواهد شد و سرانجام دین حق اسلام بر جهان سایه می افکند.

تعبیر «دین حق» برای اسلام و تذکر اینکه سرانجام این دین بر همه ادیان پیروز می شود اشاره به آن است که دین حق یکی است و پس از ظهور اسلام ادیان دیگر باطل است و پیروان آنها سرانجام شکست خواهند خورد، بنابراین یک راه مستقیم بیشتر وجود ندارد و همه ادیان در یک زمان حق نیستند. البته ادیان الهی هر کدام در مقطع زمانی خاص خود حق و قابل پیروی هستند اما هنگامی که پیامبر بعدی با دین کامل تر می آید، دین قبلی نسخ می شود و پیروی از دین جدید موجب نجات خواهد بود تا اینکه کامل ترین دین یعنی اسلام ظاهر شد. که دین حق نهایی است و بر همه ادیان پیروز خواهد شد.^۱

نتیجه گیری

حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیت های برجسته دینی که معصوم از خطا و یا تالی تلو معصوم اند، ایجاد می شود و قانون خدا در آن جامعه حاکم است، ولی حکومت واحد جهانی پیشنهادی، تحت نظر و اشراف قدرت مندان و زورمداران و ستمگران ایجاد می شود.

به عنوان نمونه «حق و تو» حقی ظالمانه و خطرناک است که کشورهای قدرت مند برای خود قرار داده اند. در حکومت واحد جهانی و در خانواده بزرگ بشریت کسانی که سر تا پا اسیر هوای نفس اند و از لحاظ اخلاقی منحط و ذلیل اند و نمی توانند فراتر از تعصبات خود عمل کنند و بسیار مغرور و ظالم و متعصب اند و همه بشریت را در خدمت خود می بینند، «حق و تو» دارند. این حق و تو، سبب می شود که جهان را به دوران دیکتاتوری اول برگردانند و قانون جنگل را حاکم کنند که هر کس زورش بیش تر است، باقی بماند و ضعیف ترها نابود شوند؛ یعنی، همان چیزی که امروزه شاهد آنیم و «تو»هایی که امریکا به نفع اسرائیل و بر ضرر فلسطینیان ستمدیده در سازمان ملل اعمال می کند.

اینجا است که می گوئیم، حکومت جهانی پیشنهادی آنان، یا محقق پیدا نمی کند و اگر هم تحقق پیدا کند، هیچ ضمانت اجرایی برای اجرای صحیح آن در جهت منافع و سعادت و رفاه بشر وجود ندارد.

امتیاز دیگر جامعه جهانی اسلامی، بر جهانی شدن، این است که محور تمام یک امور در این جامعه، خدا و احکام خدا است و تعالیم اسلامی برای اداره جامعه جهانی کافی است، ولی در جهانی شدن و جهانی سازی. محور، قوانین موضوعه بشری و الحاد و حاکمیت سکولاریسم است. در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن، محور زندگی بشر قرار می گیرد. حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومتی است مبتنی بر آموزه های حیاتی و دینی. در حالی که جهانی شدن، پیامد و

حاصل آگاهانه و ناآگاهانه پیشرفت های سیاسی، اقتصادی. فن آوری، و در ارتباط با نظام سرمایه داری و سلطه طلبی است. که این باعث امید می شود.

در پایان گفتنی است مشکلات و ناگواری های زیادی که اینک گریبانگیر جوامع جهانی است و در آینده نیز بشر از آن رهایی نخواهد یافت؛ در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود نخواهد داشت و همه مردم در امنیت، رفاه، آسایش و راحتی جمعی خواهند بود و همگان از ثروت، عدل، برابری، علم و دانش جهانی بهره مند خواهند شد. این وعده حتمی خداوند به همه مستضعفان و یکتاپرستان جهان و نقطه اوج و متعالی تاریخ بشری خواهد بود. اصولاً حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برای رفع و ریشه کنی مشکلات، ناهنجاری ها، کاستی ها، نابرابری ها، فسادها و انحراف ها تشکیل خواهد یافت و جنگ و ستیزه جویی، ناامنی، ظلم و برتری طلبی و... ریشه کن خواهد شد. در این صورت امنیت یک تن، امنیت همه و رفاه یک تن، رفاه همه خواهد بود. رفاه و تنعم بدان سان خواهد بود که دیگر نیازمند و صاحب حاجتی در سطح جامعه پیدا نمی شود؛ زیرا ثروت و منابع عادلانه در میان مردم تقسیم خواهد شد. حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مردم و به جهت هدایت و نجات آنان است؛ از این رو نوید بخش دوستی، یکرنگی، یکدلی و نوع دوستی در میان همگان خواهد بود.

جهانی شدن این حکومت، به معنای جهانی شدن فضیلت ها، عدالت ها، نیکی ها، برابری ها و معنویت ها خواهد بود و مردم فرصتی خواهند یافت که خوب بیندیشند؛ خوب زندگی کنند؛ حکمت و دانش واقعی بیاموزند؛ یکدیگر را دوست بدارند؛ به حق همدیگر تجاوز نکنند؛ توحید محور و اخلاق گرا باشند؛ جامعه ای عاری از فساد و تباهی تشکیل دهند و... در مدینه فاضله مهدوی، همه جا سخن از عدالت و قسط است و مردم شاهد لبریز شدن زمین از عدل و داد خواهند بود. دامنه عدالت او، تا اقصا نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده خواهد شد؛ حتی عدالت و دادگری، همچون گرما و سرما در درون خانه های مردمان نفوذ کرده و مأمن و مسکن وجود آنان را سامان خواهد بخشید.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. حشمت زاده، محمدباقر، چهارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۳. خمینی [امام]، روح الله، صحیفه نور، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰.
۴. محسن قرائتی، تفسیر نور،
۵. جیمز. ان، روزه نا، پیچیدگی ها و تناقض های جهانی شدن، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۰۲۲.
۶. جان تاملینسون، جهانی شدن فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، ص ۷۲.
۷. محمد، حسین رفیعی، آن سوی جهانی سازی، نشر، صمدیه، ۱۳۸۱، ص ۱۱.
۸. کیانی، داود، مقدمه ای بر جهانی شدن، مجله اندیشه، صادق، شماره ۵، ص ۲۹.
۹. آل نجف عبدالکریم، دولت جهانی در پرتو اندیشه اسلامی، مجله، حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۸۲، ص ۸۰، ۷۷.
۱۰. افروغ، عماد، اسلام و جهانی شدن، نشر کانون اندیشه جوان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۳، ۴۴.
۱۱. مطهری، مرتضی، فطرت، صدرا، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۷.
۱۲. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویّت)، چاپ اول، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۸۳.

۱۳. گیدنز، آنتونی، گفتارهایی درباره یکپارچگی جهان (جهان رها شده)، ترجمه علی اصغر

سعیدی، چاپ اول، تهران: نشر علم و ادب، ۱۳۷۹.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و...، تفسیر نمونه، ۲۷ جلد، چاپ دوازدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۷۴.